

خوابات

بی‌عدالتی در یک اکران پررنگ و لعاب



جواد طوسی

● هرچند میزان فروش فیلم‌های نوروزی امسال را نمی‌توان با سال‌های قبل مقایسه کرد اما فروش پایین فیلم «فراری» علیرضا داوودنژاد در این مدت می‌تواند از جنبه‌های مختلف سؤال‌برانگیز باشد. درباره فیلم‌های کم‌دی اکران نوروز، فروش بالاتر «مصادره»- مه‌ران احمدی، نشان می‌دهد که هنوز رضا عطاران همراه با یادآوری دورانی سپری‌شده و چهره‌هایش مثل اِبی و فرهاد و بازی را خطوط قرمز و نمایش‌گذاری کاباره و شوخی با ساواک و مأمور امنیتی در یک سیر پرشتاب تاریخی و... جواب می‌دهد؛ حتی اگر قصه‌ای چهل‌تکه داشته باشی و از این‌شاخه به آن‌شاخه ببری. «خرکیوش» اولین تجربه فیلم‌سازی مانی باغبانی را هنوز ندیده‌ام و نمی‌توانم درباره‌اش اظهارنظر کنم اما شنیده‌ها و گفته‌ها حاکی از یک کم‌دی موقعیت متکی بر کلام، در فضایی کم‌ویش ثابت است. قاعداً چنین اجرایی در سینمای راحت‌الحلقوم و کلیشه‌پرداز ما ریسک بالایی می‌طلبد که مانی باغبانی و تهیه‌کننده‌اش(حبیب اسماعیلی) به پیشوازش رفته‌اند. این‌طور که از فروش نچندان بالای فیلم به نظر می‌آید، تماشاجی بدعادت‌شده نمی‌تواند آن‌طور که باید با این جنس کم‌دی ارتباط برقرار کند و شاید حسن کنجکاوی اولیه‌اش در مورد سه بازیگر اصلی، عامل همین فروش نسیی بوده است. دو فیلم «به وقت شام» ابراهیم حاتمی‌کیا و «لاتاری» محمدحسین مهدویان هم با توجه به سوره‌های انتخابی و حاشیه‌های ایجادشده در موردشان در زمان جشنواره فیلم فجر و تبلیغات وسیع تلویزیونی در طول اکران نوروزی‌شان، فروش قابل قبولی داشته‌اند. به‌هرحال، موضوع داعش در «به وقت شام» و غیرت، ناموس و تعصب ملیتی در برابر سواستفاده از دختران ایرانی در دویی در «لاتاری»، پتانسیل لازم برای جذب تماشاچی را دارند. به این نکته هم توجه داشته باشیم که هرکسی نمی‌تواند به این مضامین بپردازد و اول باید محرم‌ودنشن را ثابت کند. در این میان، «فراری» داوودنژاد قربانی اصلی اکران نوروز بود. در مقایسه با دیگر فیلم‌ها و تهیه‌کنندگان قدرتمند و خودو- به وقت شام» و «لاتاری»، شرایط اکران خوب و مناسبی برای «فراری» فراهم نشده و علاوه‌بر آن از تیزر تلویزیونی تاکنون محروم بوده است.کافی است که تعداد سینماها و سانس‌های این فیلم را با دیگر فیلم‌های نوروز مقایسه کنیم تا به مفهوم عدالت می‌بریم.البته نقش تهیه‌کننده و پخش‌کننده و زمان مناسب اکران در این‌گونه موارد، می‌تواند زمینه‌ساز بحث مستقلی باشد. وقتی می‌بینیم علیرضا داوودنژاد با آن سابقه طولانی در فیلم‌نامه‌نویسی، کارگردانی، تهیه و تولید فیلم و اشرفاش بر روابط و مناسبات حاکم بر سینمای بعد از انقلاب و مسائل صنفی و نقاط آسیب‌پذیر بخش خصوصی چنین وضعیت غم‌انگیزی برایش رقم می‌خورد که خودش به فریاد می‌آید، متوجه می‌شویم که سینمای این دوران ما حال و روز خوب و بسامنی ندارد. در نگاهی منصفانه، «فراری» نسبت به دیگر فیلم‌های اکران فغلی لحن اجتماعی واقع‌بینانه‌تر و گزنده‌تری دارد. باید این نگاه دغدغه‌مند و نگران فیلم‌نامه‌نویس (کامیوزیا پرتوی) و کارگردان به حضور سیطره‌ه‌م‌ق‌تر نویسهای که فرهنگ‌سازی مخرب دارد و در این شکاف فاحش طبقاتی الگوسازی و رؤیاپردازی متوهم و ضربه‌زننده ایجاد می‌کند را ارج نهاد. در این آشفته‌بازار و وتیرین‌های پررنگ و لعاب می‌بینیم که انسان پاینده به اصول و ارزش‌های اخلاقی، محلی از اعراب ندارد و به یک سیاهی‌لشکر تنها و درممانده تبدیل شده است. با این‌ها درصاف و نشانه‌های قابل اعتنا و ریشه‌دار، چرا باید چنین اکران مهجور و ناغادلان‌های شامل حال «فراری» شود؟

بهناز شیربانی: فصل تازه سریال «پایتخت» امسال با شکل‌وشمایل تازه‌ای روی آنتن رفت؛ سریالی که بخش زیادی از کنجکاوی‌ها به ورود سازمان اوج در مراحل ساختش مربوط می‌شد و همین موضوع تا حد زیادی توجه مخاطبان را به قصه‌ای که در این فصل روایت می‌شود جلب کرد. هرچند که از ابتدای پخش نوروزی سریال، حواشی ریزودرشت بسیاری درباره «پایتخت» مطرح شد و البته از سمت سازندگان پاسخ‌های متعددی داشت. محسن تانینده، سرپرست نویسندگان و بازیگر این مجموعه، با «شرق» درباره این حواشی و چگونگی ساخت سریال صحبت کرد و البته بخشی از این گفت‌وگو به حضورش در فیلم «فراری» هم اختصاص داشت که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.

۴ سال‌هاست که مخاطبان تلویزیون به پخش سریال «پایتخت» در ایام نوروز عادت کرده‌اند و این مجموعه جای خودش را در بین مخاطبان باز کرد. اما تقریباً همه این سال‌ها پخش این سریال با حواشی متعددی همراه بوده؛ از جنجال‌های مباحث مالی گرفته تا اختلافات مثل جایگزینی نویسنده و این حواشی تا چه حد به دلیل فصل‌های سریال و در معرض دید قرار گرفتنش است یا ناخواسته اتفاق می‌افتد؟
فرح می‌کنم این ماجرا فقط به سریال «پایتخت» مربوط نیست. اساساً فضا به‌گونه‌ای است که بسیاری از واکنش‌ها ربطی به مردم پیدا نمی‌کند. بازخورد سریال در رویارویی با مردم بسیار عالی یا حتی بیش از حد انتظار بوده است. باید این نکته را هم مدنظر داشت که صرفاً این سریال برای مردم ساخته می‌شود و حالا به دلیل فضای مسموم سیاسی، سودجویان دنبال این هستند که چه چیزی در کانون توجه قرار دارد که دقیقاً آن را دستاویز قرار بدهند و بهانه‌ای شود که کسی را زیر سؤال ببرند. این حواشی مختص سریال «پایتخت» نیست. به نظر من هر اثر هنری یا پدیده اجتماعی که فراگیر شود، طعمه این فضاهای سیاسی می‌شود.

۴ آقای تانینده! آیا شما آزادی‌های بیش از اندازه برای ساخت این سریال در اختیارتان بود؟
جالب است که این تنها کاری است که اصلاح‌طلب و اصولگرا در باره‌اش حرف می‌زنند و نقدش می‌کنند و تصور می‌کنم دلیلش بیش از حد انتظارشدنش است. عمدتاً این نوع طرز فکرها توسط همین دوستان سوءاستفاده‌گر سیاسی اتفاق افتاده است وگرنه این سریال هیچ‌جا حدود اخلاقی را زیر پا نمی‌گذارد. به هیچ چیز محله نمی‌کند و معنویات را زیر سؤال نمی‌برد. هیچ کار خطایی نمی‌کند. ولی این طبیعی است که شما از هر پدیده‌ای بتوانی از زاویه دید خودت وارد شوی برای اینکه بتوانی به نتیجه دلخوات برسی. عمده حواشی «پایتخت» فرامتنی است. از این جهت برابم جالب است که کشوری زندگی می‌کنیم که همیشه قصاص قبل از جنایت می‌کنیم. انکار اصول ساده نقد را بلد نیستیم. هیچ ایرادی ندارد که با آن مخالف باشیم. ولی الزاماً باید دست نگه داریم تا کلام منعقد شود و پخش سریال به اتمام برسد تا درباره کلیت آن صحبت شود. دقیقاً از قسمت اول و دوم سری جدید «پایتخت» نقدها شروع شد. اینکه ما ماجرای ازدواج دختران کم‌سن‌وسال را ترویج کرده‌ایم! اتفاقاً ما به این ماجرا نقد صریح داشتیم و برای اینکه چیزی را نقد کنید، ابتدا باید آن را ارائه کنید و بعد از آن طرز تلقی آدم‌های قصه را نسبت به آن ماجرا ببینیم. بسیاری که ما را در این مورد خاص نقد کردند، از اینکه قضاوت عجولانه‌ای داشتند عذرخواهی کردند. با شیوه‌ای که ما از نقدکردن در ذهن داریم به مرور به سمتی می‌رویم که آثار سینما و تلویزیون ما کار‌های بدون درس، لافر و بی‌خاصیتی باقی بماند.

سبب اختلافات و شیوه مصرف حشیش شاید نخستین‌بار بود به این شکل در تلویزیون نشان داده شد. این از جمله ده‌ها مواردی است که بدون ممیزی روی آنتن رفت و واکنش‌های متفاوتی به همراه داشت.

لحظه استعمال هیچ‌وقت دیده نشده و در کار ما هم دیده نمی‌شود. معتقدم کار هنرمند نسخه‌پیچیدن نیست، بلکه یک رادیولوژی یا یک سونوگرافی است که شما فقط ماجرا را عکس‌برداری کنید و نمایش دهید. تشخیص کار دیگران است. در تمام این سال‌ها از نشان‌دادن چیزهایی ترسیدیم و معضلاتمان چندین برابر شده است. اگر معضلات را نشان ندهیم و مقابل چشم تماشاگر

نگذاریم، قطعاً درباره آن تصمیمی هم گرفته نمی‌شود. جای شخصیتی مثل بهتاش در سریال خالی بود، چراکه نماینده قشر عظیمی است که در جامعه به‌طور گسترده می‌بینیم و به‌لحاظ اخلاقی ملزم هستیم چنین شخصیتی در «پایتخت» داشته باشیم و درباره‌اش حرف زده شود. این مجموعه از ابتدا هم سعی کرد درباره همه اقصا‌ر صحبت کند و با عموم مردم ارتباط برقرار کنیم. همان‌طور که گفتم، جای شخصیتی مثل بهتاش خالی بود و حضور این شخصیت در بین مخاطبان بازخورد‌های خوبی دارد.

۴ پس شاید بتوان چنین برداشتی کردکه امیدوار بودیم از این‌بس فضا برای نشان‌دادن محدودیت‌هایی که در تلویزیون با آن روبه‌رو هستیم بازتر شود و بتوانیم امکانات بیشتری به سریال‌سازی اضافه کنیم و فضاهای جدیدتر و نوتری را به مخاطب نشان بدهیم...

قطعاً یک رابطه طولانی بین نویسنده با تلویزیون یا سینما وجود دارد. سابقه کاری آدم‌ها این اعتماد را به وجود می‌آورد که این پس از گذشت سال‌ها نویسنده‌ای، حد و حدود تلویزیون و قوانین کشورش را می‌داند و می‌تواند کمک‌کننده باشد، اما این‌طور نیست که برای شما جاده میان‌بر بگذارند. همیشه قوانین وجود دارد و این قوانین با تغییر مدیریت‌ها معمولاً سخت‌تر می‌شود. **۴ واکنش شما به انتقادی که درباره نشان‌دادن جاذبه‌های توریستی ترکیه به سریال وارد شد جالب بود، اینکه گفتید «رجب طیب اردوغان پولی را قبل از ساخت این فصل از سریال به من داد و از من خواهش کرد جاذبه‌های توریستی ترکیه را معرفی کنم. او به من گفت خواهشا مملکت ما را به ایران و جهان بشناسان چون داریم بیچاره می‌شویم»؛ اصلاً چرا وارد این بحث شدید، قبل از ساخت سریال و راهی‌شدن به ترکیه تصور چنین انتقادهایی را نداشتید؟**

چه بخوایم چه نخواهیم ترکیه زیباست. باید باور کنیم به دلیل اینکه نتوانستیم جاذبه‌هایی برای مردم کشورمان ایجاد کنیم، این پول در ترکیه و کشور همسایه خرج می‌شود. بار دیگر دوستان از منظر خودشان به این موضوع نگاه کردند. اجازه بدهید بتوانیم واقعیت‌ها را با مردم در میان بگذاریم و نتیجه بهتری حاصل شود، آن‌قدر همه چیز را پنهان نکنیم. اینکه پنهان کنیم مردم کشور ما ترکیه نمی‌روند به سود کیست؟ به‌جای اینها روی خودمان کار کنیم و شرایط را بهتر کنیم. واکنش من به این دلیل بود که واقعا ما‌جاری خنده‌داری بود، یعنی ترکیه این‌قدر مغفل است که به ازای دریافت پولی از ما بخواهد زیبایی‌های کشورش را نشان بدهیم؟! بهتر است از خواب غفلت بیدار شویم. بخش عمده‌ای از مردم کشور شیکه‌ها و سریال‌های ترکیه را نگاه می‌کنند و برحلاف ما که می‌گویند در سریال‌ها چیزهای زیبا نشان ندهیم و خیلی تجمل نباشد، آنها همه این چیزها را غیرواقعی‌تر و زیباتر از آنچه وجود دارد نشان می‌دهند و توریست‌شان را به اندازه کافی جذب کردند. ما باید فکری به حال خودمان کنیم. ما اصلاً شهر «ادنا» را تبلیغ نکردیم. همه پلان‌هایمان را در نوشهر گرفتیم. بعد به ما می‌گویند چرا نگفتی این پلان‌ها را در نوشهر گرفتید؟ یعنی واقعا باید چنین چیزی را مطرح می‌کردیم؟! چرا دوست داریم تحلیل‌های ساده‌ای که پایتخت نشان می‌دهد را نادیده بگیریم و الکی پشت آن جریان‌سازی کنیم. در پایتخت مسائلی را مطرح کردیم مثل اینکه برای قاچاق کالا به

گفت‌وگو با محسن تانینده

حواشی «پایتخت» سیاسی است



فرح می‌کنم

ترکیه می‌روند، یعنی یک نقد به شرایط حاکم در کشور، یا اینکه آنجا آن‌قدر ناامنی وجود دارد که هوایما قادر به فرود در فرودگاه استانبول نیست، این یک نقد است به آنهایی که امنیت کشور را نمی‌بینند. جوان‌هایی که با چشم بسته راهی غربت می‌شوند و می‌بینیم چطور کتک می‌خورند و پولشان را می‌برند و... یادمان می‌رود که از سطوی یک نقد صریح مطرح می‌کند به اینکه این‌قدر شرایط بد است که تولید داخلی‌مان را باید به اسم ترک بفروشیم. اینها چیزهایی است که دوستان تلاش می‌کنند و نبینند و موضوعات و حواشی فرامتنی به وجود بیاورند و به‌اصطلاح از این نم‌د برای خودشان کلاه‌ی درست کنند. **۴ در سال‌های اخیر از تولیدات مستقل زیاد صحبت شده است و درباره «پایتخت» که هر سال حضور اسپانسر‌ها برای ادامه حیاتش حواشی متعددی را به وجود آورده است، با وجود همراهی سازمان اوج در ساخت این فصل از سریال، چه کردید که به استقلال سریال کمتر آسیب برسد؟**

چیزی که در این فصل زیاد می‌شنویم، این است که چقدر همه‌چیز باز است و راحت همه‌چیز گفته می‌شود. ما خودمان هم از اینکه نقد مردم دقیقاً به چه بخشی از سریال است، حیرت کرده‌ایم. اینکه اوج کمک کرده یا جلوی ما را گرفته است، همه اینها به سه جبهه‌های سیاسی الکی که نسبت به ماجرا گرفتند، برمی‌گردد. ما یک‌سال‌ونیم پیش قرار بود اثر سینمایی «پایتخت» را بسازیم و با داغ‌شدن ماجرای داعش، ایده جدیدی به ذهنمان رسید. این چیز عجیبی نیست. برای «پایتخت» واجب بود که وارد یک محیط جدید و جذاب شود و از آنجایی‌که خانواده مبحث «پایتخت» است، خانواده را در موقعیت‌های مختلف گذاشتیم و چه موقعیتی جذاب‌تر از اینکه آنها ناخودگاه وسط جنگ گرفتار شوند. به دلیل نوع قصه‌ای که داشتیم، به سراغ سازمان اوج رفتیم و انصافاً هیچ گروهی در کار ما دخالت نکرد که به قصه سریال سمت و سوی دیگری بدهد. هرچند که براساس فشارهایی که دلوایسان داشتند، بخش‌هایی از سریال سانسور شد؛ اما فشاری از جانب تلویزیون و اوج روی ما نبود.

۴ پس سانسور هم زیاد بود؟

بله. ولی نمی‌خواهم درباره‌اش صحبت کنم. یک نکته مهم وجود دارد و آن این است که خانواده نقی معمولی برای جنگ به سوریه نمی‌روند یا حتی برای حمایت از کسی به جنگ نمی‌روند. اینها بر حسب شرایط و موقعیتی وسط جنگ قرار می‌گیرند، نمی‌خواهند بچکنند؛ اما حالا که در فضای جنگی هستند، باید برای حفظ جانشان دفاع کنند. این موقعیت در قسمت‌هایی که دیده شد، به لحاظ تولیدی، اجرایی و حتی فیلم‌نامه بسیار سگتی بود؛ چراکه در شرایط سخت، باید کم‌دی ایجاد می‌کردیم. پیش‌ازاین کارهایی به این شکل انجام شده بود؛ ولی با این حجم و گستردگی و با این تعداد شخصیت انجام نشده بود. پس این ماجرای سفارش کاملاً ساختگی است؛ چون قصه جواب می‌دهد.

۴ اما نکته‌ای وجود دارد و این است که از فصل اول سریال تا به امروز حفظ شخصیت یک زن قدرتمند و عقل‌گرا در روند سریال حفظ شده است و این تحسین‌برانگیز است.

بله. ممنونم که به این نکته اشاره کردید؛ چون برای ما هم مهم بود.

۴ اما در کنار «پایتخت» باید به اکران فیلمی از شما

بعد از دو سال از زمان ساخت و اکران‌شدنش در نوروز اشاره کنیم، حضور شما در فیلم «فراری» و بازی شما که هم در نمایش در جشنواره و هم این روز‌ها که فیلم اکران عمومی است، تحسین بسیاری را به همراه داشته است. از شخصیت‌پردازی «نادر» فیلم فراری صحبت کنیم. اینکه چطور به این شمایل از قهرمان قصه رسیدید و لهجه‌ای که به پرداخت بهتر شخصیت کمک کرد، اصلاً کار با علیرضا داوودنژاد چطور بود؟

علیرضا داوودنژاد از معدود آدم‌هایی است که بازیگری برایش از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. نمی‌گویم دیگران این‌طور نیستند. شاید شیوه برخورد متفاوت است. خاطرم هست قبل از هر چیزی برای آقای داوودنژاد مهم بود محسن تانینده را بهتر بشناسد و خودش را بیشتر به محسن تانینده بشناساند. به‌همین‌خاطر زمان ضبط «پایتخت ۴» وقتی در شمال کار می‌کردیم، چند روز پیش ما و محل فیلم‌برداری آمد و درباره کار حرف می‌زدیم و نقطه‌نظرآتمان را بیان کردیم. او آمده بود که شناخت بهتری از من داشته باشد و این برای من جذاب بود. شخصیت «نادر» در فیلم‌نامه به این شکل نبود، به لحاظ دیالوگ همین بود؛ اما در برخورد با شخصیت با آقای داوودنژاد به این نتیجه رسیدیم که چون ۷۵ درصد فیلم در ماشین می‌گذرد و مدیوم‌شات هست و پرده عریض سینما را خواهیم داشت، به این فکر کردیم که چه کار کنیم که دختر که آن همه بار قصه به دوشش هست، متکلم وحده نشود و قصه جذاب روایت شود. برای همین به این فکر کردیم که کمی این آدم را شیرین‌تر بگیریم و به آن جدیتی که در فیلم‌نامه هست، نباشد. به دلیل قربانی که آقای داوودنژاد با قم داشتند و عمو و عمه من در آنجا زندگی می‌کنند، فتح بابی شد که بیشتر درباره لهجه نرم و نازک قمی حرف بزنیم که در فیلم‌های زیادی هم استفاده نشده است. آقای داوودنژاد با لهجه موافقت کرد؛ اما از آنجاکه لهجه از حدی بگذرد، شخصیت تبیین می‌شود. سعی کردم حنوم‌ری را نگه داریم که فقط آهنگی داشته باشد. برای همین تمرین‌های زیادی داشتیم و با اینکه به قمی مسلط بودم؛ اما با آدم‌های آن خطه معاشرت کردم و لهجه بهتر شد. ضمن اینکه آن شخصیت جای شیرینی بیشتری داشت؛ ولی نگه‌داشتن حنوم‌رز خیلی سخت بود و همیشه قبل از اینکه فیلم‌برداری شروع شود، شخصیت را با تمام حواشی و شیرینی‌هایی که در ذهنم بود، بازی می‌کردم و حسایی می‌خندیدیم. بعد که از تپ‌و‌تاب می‌افتاد، می‌رسیدم، فیلم‌برداری شروع می‌شد و به آدم شسته رفته‌تری که در فیلم می‌بینی، می‌رسیدیم.

۴ برخی گذر زمان را یکی از عوامل دیده‌نشدن «فراری» می‌دانند. نظر شما چیست؟

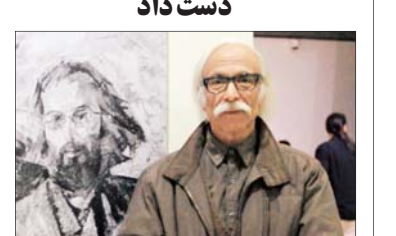
غذا هم که درست می‌کنید، زمانی باید آن را از روی گاز بردارید؛ چون بیش‌ازآن خراب می‌شود. این فیلم دوسال‌ونیم و شاید هم بیشتر از زمان ساختش می‌گذرد و مرتب خبر اکران‌ش در فضاهای مجازی پیچید. آن‌قدر به گوش آشنا بود که این توهم بود که انگار دیده‌ام شده است. این فیلم متأسفانه نقادیر زیادی در بحث‌های مالکیت دچار صدمه شد و اکران‌ش به تعویق افتاد، نکته بعد این است که در نوروز بسیاری به دنبال دیدن فیلم‌های کم‌دی هستند، این هم مزید بر علت بود و تبلیغات بسیار ضعیف فیلم که به آن آسیب زد. به نظرم اگر یک فیلم کم‌دی دو میلیارد برای تبلیغات نیاز دارد، این فیلم به سه میلیارد نیاز دارد.

۴ تعداد درخورتوجهی از فیلم‌سازان، به سمت ساخت فیلم کم‌دی رفته‌اند. شما قصد ساخت فیلم کم‌دی ندارید؟

در‌حال‌حاضر کمی سبک و سنگین می‌کنم؛ اما تصمیم قطعی نگرفته‌ام.

۴ حرفی درباره حواشی متعدد سریال «پایتخت» ناگفته مانده است؟

خیلی ساده است پشت میزهای‌مان بنشینیم و منتظر پدیده‌ای باشیم که آن را بگوییم؛ اما سخت است کاری کنیم که این حجم از مخاطب را به دنبال داشته باشد. کمی با هم مهربان باشیم. آن‌قدر منتظر نباشیم دیگران بسازند و ازآرش بدیم. اگر خودمان بلدیم، بیاییم وسط کار کنیم. اگر نه، به دیگران حسادت نکنیم. فضای کار برای همه به اندازه کافی وجود دارد. اینکه فضا به‌گونه‌ای شده است که دیگر برای لذت‌بردن به جایی نمی‌رویم، تلخ است. متأسفانه این به تماشاجی هم سرایت پیدا کرده است. این فضا آزاردهنده است.



● **فرانک آرتا**، محمدابراهیم جعفری، نقاش پیش‌کسوت، استاد دانشگاه و مدرس هنر، شاعر و ترانه‌سرایی معاصر در آخرین دقایق شنبه، ۱۸ فرودین، بر اثر سکتة مغزی در بیمارستان مدائن دار فانی را وداع گفت. ایرج اسکندری، نقاش و استاد دانشگاه، دراین‌باره به «شرق» گفت: «متأسفانه جامعه هنری ایران یکی از نقاشان پیش‌کسوت خود را از دست داد. قرار است پیکر این هنرمند روز سه‌شنبه، ۲۱ فروردین، از مقابل دانشکده هنرهای کاربردی دانشگاه هنر واقع در چهارراه ولیعصر تشییع و در آرامگاه خانوادگی ایشان در بهشت زهرا (س) به خاک سپرده شود». محمدابراهیم جعفری در سال ۱۳۱۹ در شهر بروجرد به دنیا آمد. او فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود و به‌عنوان مؤسس کانون آموزش اصول هنرهای تجسمی شناخته می‌شد. همچنین جعفری عضو رسمی هیئت علمی «دانشگاه هنر» و «انجمن نقاشان ایران» نیز بود. آثار این هنرمند نقاش در ده‌ها نمایشگاه داخلی و خارجی به نمایش درآمدند و این هنرمند پیش‌کسوت در بی‌پایان‌های مهم هنری و بین‌المللی مانند بی‌نال پاریس (سال ۱۳۴۸) شرکت داشت. حضور در جشنواره هنر کانتی سورمر در جنوب فرانسه و کسب جایزه ملی دولت فرانسه در همین جشنواره (۱۳۵۳) از دیگر افتخارات این هنرمند است که در کارنامه فعالیت هنری‌اش به ثبت رسید. بهنام کامرانی، استاد دانشگاه و هنرمند تصویری، درباره ویژگی‌های هنری و رفتاری زنده‌یاد محمدابراهیم جعفری به «شرق» گفت: «به نظرم استاد محمدابراهیم جعفری از جنبه‌های مختلف قابل ارزیابی هستند. ایشان از یک سو نقاش، ترانه‌سرا و شاعر بودند و از سوی دیگر مدرس، استاد و معلمی عاشق، در واقع از نقطه‌نظر وجه نقاشانه می‌توان گفت ایشان ازجمله نقاشانی بودند که در آثارشان جنبه‌های بومی و ملی ایرانی و حتی شرقی دور دیده می‌شد که شورومندانه قلم می‌زدند. در طراحی‌های ایشان معماری ایرانی، کویرهای ایران، بافته‌ها و نقوش ایرانی دیده می‌شد». کامرانی افزود: «از نقطه‌نظر شاعری مانند شهراب سپهری به طبیعت عشق می‌ورزید و در ترانه‌سرایی، هنرمندی شیدا و شورآفرین بود. در اسمر آموزش هنر از معدود استادانی بودند که فارغ از هنرمندبودن، منش و روش هنرمندگونه زیستن را ترویج می‌دادند. همواره به دانشجویان دانش‌پژوهان خود توصیه می‌کردند که کودکی خود را از دست ندهند و همواره از درون خود الهام بگیرند. در کلاس‌ها و نوع برخوردایشان با دانش‌پژوهان دوستانه و بدون ادعا رفتار می‌کردند که با درگذشت ایشان هنر ایران، هنرمند بزرگی را از دست داد. روحشان شاد و یادشان گرامی».

دریچه

نمایش آثاری از مؤتمن و معتمدی در جشنواره جهانی فیلم فجر

● **گروه هنر**: از فیلم سینمایی «سراسر شب» ساخته فرزاد مؤتمن، در سی‌وششمین جشنواره جهانی فیلم فجر رونمایی می‌شود.
الناز شاکردوست، امیر جعفری، افسانه چه‌رها‌زاد، سینا جهزادی، آزاده صمدی، مهدی سلطانی، حسام شجاعی، سحر نظام‌دوست، محمدرضا هاشمی، ایلناز آذری، دینا روهنده، آفرین رهنما و داراب داداش‌زاده بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

«سراسر شب»، به نویسندگی مشترک زامیاد سعادت‌نویان و فرزاد مؤتمن یک درام معاصر است.

همچنین فیلم سینمایی «راه‌رفتن روی سیم» به کارگردانی احمدرضا معتمدی که پیش از این «بوف کور» نام داشت نیز قرار است در سی‌وششمین جشنواره جهانی فیلم فجر به نمایش گذاشته شود.

در این فیلم، بازیگرانی مانند احمد مهران‌فر، حامد کمیلی، اندیشه فولادوند، هومن برق‌نورد، علی باغ‌فر، علی استادی، مهرداد ضیایی، مریم یونانی و رسول نجفیان ایفای نقش می‌کنند.

«راه‌رفتن روی سیم» مضمونی اجتماعی دارد و داستان زندگی یک نوازنده دوتار سنتی را روایت می‌کند که از شهرستان برای کار به تهران می‌آید و پس از چندی جذب یک بند راک می‌شود.
سی‌وششمین جشنواره جهانی فیلم فجر ۱۹ تا ۲۷ آوریل ۲۰۱۸ برابر با ۳۰ فروردین تا هفتم اردیبهشت ۱۳۹۷ به دبیری سیدرضا میرکریمی در تهران برگزار می‌شود.

پیکر بهرام زند تشییع شد



پیکر زنده‌یاد بهرام زند صبح روز گذشته ۱۹ فروردین از مقابل مسجد بلال صدواوسیماتشیع شد. منوچهر اسماعیلی، ناصر ممدوح، نصرالله مدقالچی، حسین عرفانی، علی همت، اردشیر منظم، پرویز ربیعی، افشین زی‌نوری و جمعی دیگر از همکاران زنده‌یاد زند در این مراسم حضور داشتند.

علی همت مومینود در ابتدای این مراسم گفت: بهرام زند یک اسطوره به معنای واقعی بود و یاد و خاطره‌اش تا ابد در دل تک‌تک همکارانش باقی می‌ماند. بالاترین توصیف از او این است که بگوئیم «بهرام زند» بود. من این مصیبت را به همه هنرمندان و بزرگان هنر دوبلاژ تسلیت می‌گویم.

در این مراسم پیام تسلیت مرتضی میربایقری، معاون سیمای رسانه ملی و همچنین پیامی از طرف انجمن گویندگان و سرپرستان گفتارفيلم خوانده شد. علی آشتیانی‌پور، سرپرست انجمن گویندگان و سرپرستاران گفتارفيلم در این مراسم گفت: فصل بهار فصل سختی برای رفتن است و می‌دانم خانواده زند بهار سختی را سپری می‌کنند. از این پس هر شکوفه و بهاری ببینیم، یاد بهرام زند می‌افتیم. می‌گویند هرکسی بمیرد فقط خوبی‌هایش باقی می‌ماند. درمورد بهرام زند هیچ نکته بدی وجود ندارد و از او فقط نیکی باقی است. محمود تقی‌ری، از دیگر دوبلورها